

آواز دُهل

پرو هشی در تعالیم منتسب به

میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله

دفتر دوازدهم:

جهان بشری محتاج نفثات روح القدس است

مسعود بسیطی، زهرا مرادی

نشر بهارافشان، تهران، ۱۳۹۱

فهرست

تعلیم دوازدهم: جهان بشری محتاج نفثات روح القدس است	۹
مقدمه	۱۱
دیدگاه نخست: آیا اعلام نیاز بشر به نفثات روح القدس، تعلیمی جدید است و پیش از اعلان بیانان، در جهان شنیده نشده بود؟	۱۷
دیدگاه دوم و سوم: آیا رهبران جهانی، خود به این تعلیم عامل بودند؟	
آیا این تعلیم از نظر عقل و منطق صحیح است؟	۲۳
بخوانیم و بیاندیشیم!	۲۷
۱. با مقتضیات زمان دین جدیدی بیاید یا نیاید؟	۳۹
۲. چند سال پس از بهاء الله پیامبر جدیدی می آید؟ هزار سال؟ ۳۶۵ میلیون سال؟	
پانصد هزار سال؟ هیچ گاه؟ همه‌ی موارد فوق صحیح است؟!	۴۰
۳. در این عصر، واسطه‌ی فیض الهی کجاست؟	۴۲
۴. به خدا قسم پیامبر جدیدی می آید! نمی آید!	۴۳
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۴۷
کلام آخر	۴۹
فهرست منابع	۵۵



تعالیم در این کتاب،
بر اساس سه دیدگاه بررسی می‌شود:

دیدگاه نخست:

آیا تعالیم بهایی، گفته‌هایی کاملاً جدیدند؟

دیدگاه دوم:

آیا خود بهاییان و خصوصاً سران ایشان،
به این تعالیم عامل بوده‌اند؟

دیدگاه سوم:

آیا اساساً خود تعالیم، از نظر عقل و منطق،
تعالیم درستی می‌باشند؟



تعلیم دوازدهم: جهان بشری محتاج نفثات^۱ روح القدس است



« تعلیم دوازدهم حضرت بهاء الله آنکه عالم انسانی به قوای عقلیه و قوای مادیّه ترقّی نکند؛ بلکه بجهت ترقّی صوری و معنوی و سعادت فوق العاده انسانی نفثات روح القدس لازم است و باید قوه الهیه یعنی روح القدس تأیید کند و توفیق بخشد تا آنکه هیئت بشری ترقّیات فوق العاده نموده بدرجه‌ی کمال برسد. زیرا جسم انسان محتاج به قوای مادیّه است ولی روح انسان محتاج به نفثات روح القدس است و اگر تأییدات روح القدس نبود عالم انسانی خاموش می‌شد و نفوس انسانی مرده بود ... و این معلوم است که روحی که نصیبی از نفثات روح القدس ندارد آن میّت است. لهذا واضح شد که روح انسان محتاج به تأییدات روح القدس است و آنگاه به قوای مادیّه تنها انسان ترقّیات تامّه ننماید بل ناقص می‌ماند. »



۱- نفثات به معنی الهام است و مراد از نفثات روح القدس، دین است. گاهی به جای نفثات، از عبارت نفثات به معنی دمیدن استفاده می‌گردد که باز هم منظور از نفثات روح القدس، دین است.

۲- افندی، عباس (عبدالله)، خطابات، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع، ج ۲، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.



مقصود از محتاج بودن جهان بشری به نفثات
روح القدس، نیاز جامعه‌ی بشری به دین و
الهامات الهی است.



عبدالبهاء می گوید:

"عالم انسانی به قوای عقلیه و قوای مادیه ترقی نکند، بلکه به جهت ترقی صوری و معنوی و سعادت فوق العاده انسانی، نفثات روح القدس لازم است و باید قوه الهیه یعنی روح القدس تاکید کند و توفیق بخشد تا آنکه هیئت بشر ترقیات فوق العاده نموده، به درجه کمال برسد. زیرا جسم انسان محتاج به قوای مادیه است ولی روح انسان محتاج به نفثات روح القدس است و اگر تائیدات روح القدس نبود، عالم انسانی خاموش می شد و نفوس انسانی مرده بود."^۳

عالم انسانی با نیروی ماده و عقل، پیشرفت نمی کند، بلکه برای پیشرفت و سعادت واقعی نیازمند الهامات الهی (نفثات روح القدس) است. ... جسم انسان محتاج نیروی مادی و روح انسان محتاج معنویات و الهامات الهی است. اگر فیض الهی نبود، انسان ها مانند مردگان می شدند.



همچنین می گوید:

"ملاحظه کنید که این سفائن مدرّعه که شهری را در یکساعت ویران می نماید از نتایج مدنیت مادی است ... اگر مدنیت مادیّه منضمّ بمدنیت

۳- افندی، عباس {عبدالبهاء}، خطابات، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع، ج ۲، خطابه در مجمع عمومی نیویورک ۱۶ جون ۱۹۱۲ اول رجب ۱۳۳۰، ص ۱۵۱.

الهیّه بود، هیچ این آلات ناریّه ایجاد نمی‌گشت بلکه قوای بشریّه جمیع محوّل به اختراعات نافعه می‌شد ... مدنیت مادیّه مانند جسم است ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است. مدنیت الهیّه مانند روح است. این جسم به این روح زنده است و الاّ جیفه گردد. پس معلوم شد عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است. بدون این روح، عالم انسانی مرده است و بدون این نور، عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است. زیرا عالم طبیعت عالم حیوانی است تا انسان ولادت ثانویه از عالم طبیعت ننماید یعنی منسلخ از عالم طبیعت نگردد حیوان محض است. تعالیم الهی این حیوان را انسان می‌نماید^۴.

این هواپیماهای جنگی که شهری را در یک ساعت ویران می‌کنند، نتیجه‌ی تمدن مادی است ... اگر تمدن مادی در کنار تمدن الهی قرار می‌گرفت، هیچ کدام از این وسایل جنگی اختراع نمی‌شد و در عوض انسان‌ها اختراعات سودمند می‌کردند ... تمدن مادی مانند جسم است و تمدن الهی مانند روح پس عالم انسانی محتاج الیهامات الهی (نفثات روح القدس) است و بدون این روح، مرده محسوب می‌شود ... انسان بدون تعالیم الهی حیوان است.



۴- افندی، عباس {عبدالبهاء}، مکتب. مصر: مطبعه کردستان العلمیه (ناشر فرج الله ذکی الکردی)، ۱۳۴۰ ق. ج ۳، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

بیت‌العدل نیز اینچنین ماجرا را تعریف می‌کند:

"علوم و فنون عصریه که خود از تصرفات آفاقیه این امر اعظم است، چون از روح الهی محروم مانده، جسمی بی جان گشته و رو به تجزیه و متلاشی نهاده. رسوم موهن و عقاید بالیه مستولیه ادیان عتیقه که به افکار دینیّه بشریه و امیال اهل هوس ممزوج و ملوث گردیده، جهانیان را به کلی از مادی معنویه روحانیه دور ساخته و مغرور و مرعوب و محکوم تمدنی نموده که اساسش صرفاً بر موازین مادی استوار است، از تأیید نفثات روح القدس محروم و برکنار"^۵.

پیشرفت علوم که حاصل ظهور بهاءالله و آیین اوست، چون از روح الهی خالی و به خرافات ادیان گذشته و هوای نفسانی مخلوط شده است، مردمان را از معنویت و روحانیت دور کرده، محکوم مادیات نموده است. پس مردم به این دلایل از نفثات روح القدس برکنار مانده‌اند.



حال بینیم مقصود بهایان از روح القدس چیست؟

در تعریف روح القدس، عبدالبهاء چنین گفته است:

"مقصود از روح القدس فیض الهی است و اشقه ساطعه از مظهر ظهور".

عبدالبهاء می‌گوید روح القدس واسطه‌ای است بین خدا و بندگان:

"روح القدس واسطه بین حق و خلق است مثل آئینه است مقابل آفتاب. چگونه آئینه اقتباس انوار از آفتاب کند و بدیگران فیض رساند بهمچنین روح القدس واسطه انوار تقدیس است که از شمس حقیقت بحقایق مقدسه رساند و او متصف بجمیع کمالات الهیه است در هر وقت ظهور کند عالم تجدید گردد و دوره جدید تأسیس شود و هیکل عالم انسانی را خلعت جدید پوشاند. مثلش مثل بهار است هر وقت بیاید عالم را از حالی بحالی دیگر نقل کند ... همچنین ظهور جمال مبارک (حضرت بهاء الله) مانند فصل ربیع بود و موسم جدید که با نشاط قدس و جنود حیات ابدیه و قوه ملکوتیه ظهور و سریر سلطنت الهیه را در قطب عالم نهاد و بروح القدس نفوسی را زنده فرمود".

در ادامه به بررسی این تعلیم از زوایای سه گانه می‌پردازیم:

۶- اشراق خاوری. عبدالحمید. پیام ملکوت. دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. ص ۲۸۳.

(به نقل از مقاضات عبدالبهاء)

۷- همان کتاب، صص ۲۸۲ و ۲۸۳. (به نقل از مقاضات عبدالبهاء)